فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره ۲۶، بهار ۱۳۹۹، صص ۲۸۷-۲۶۹ **New Period, No 26, 2020, P 269-287**
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) **ISSN (2476-7018)**

وجوه افتراق و اشتراک نظام اطلاعات در بورس با حقوق قراردادها

سحر محمد ظاهری
کارشناس ارشد گروه حقوق اقتصاد مالی، دانشگاه آزاد اسلامی، بوئین زهرا، ایران

چکیده

تعهدات و روابط بین متعاملین از گذشته تاکنون رواج داشته و طی ادوار گذشته شیوه معاملات به گونه‌های مختلف صورت می‌گرفته. در حقوق قراردادها اصل بر حاکمیت اراده و آزادی قراردادی بین طرفین قرارداد می‌باشد و طرفین آزادند با یکدیگر معامله نمایند با توجه به سادگی و این نوع معاملات، در روابط طرفین کمتر به نظام اطلاعات و ارائه آن در حقوق قراردادها پرداخته شده است. اما هر چند بورس اوراق بهادار در ایران سابقه‌ای به قدمت حقوق قراردادها ندارد اما با توجه به پیچیدگی معاملات و حفظ رعایت و حقوق معامله‌گران در بازار بورس قانونگذار به این امر اهمیت بیشتری داده و نسبت به ارائه اطلاعات و افشای اطلاعات معامله گران را مسئول دانسته است. در این خصوص پژوهش حاضر با این هدف اساسی به نگارش درآمده است که با توجه به نوع و روش تحقیق که به صورت توصیفی و تحلیلی می باشد و ابزار گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است، به بررسی تطبیقی نظام اطلاعات در بازار بورس با حقوق قراردادها بپردازد.

واژه‌های کلیدی: حقوق قراردادها، بورس، ارائه اطلاعات، افشای اطلاعات

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

۱- مقدمه

نظام اطلاعات در بازار اوراق بهادر از جهات گوناگون با نظام اطلاعاتی که در حقوق قراردادها به شکل سنتی آن مدنظر می‌باشد متفاوت است. اطلاعاتی که بورس اوراق بهادار بر افشاء آن نظارت می‌کند دارای مفهومی مضیق‌تر نسبت به اطلاعات مورد نیاز برای انعقاد یک عمل عمومی از نظر قراردادهاست. در این اطلاعات که از آن به عنوان «اطلاعات نهانی» تعبیر می‌شود وجود چهار ویژگی شرط است: عدم افشاء برای عموم (نهانی بودن)، دقیق و شامل جزئیات بودن، قابلیت تأثیر قابل توجه در قیمت و مربوط بودن به ناشر اوراق بهادر (بند ۳۲ ماده ۱ قانون بورس[۱]). در حالی که در اطلاعات به مفهوم سنتی حقوق قراردادها وجود چنین قیودی الزاماً شرط نیست.

مقررات حقوق قراردادها بر این فرض بنا شده‌اند که در یک بازار آزاد خود طرفین معامله قادرند که مصلحت خویش را برآورده سازند. به همین دلیل تمرکز خود را در مبحث ارائه اطلاعات به مرحله بعد از انعقاد قرارداد و هنگامی که ذینفع آسیب دیده تقاضای کمک نماید معطوف می‌کنند.[۲](باقری، ۱۳۸۵، ۷۰) همچنین گستره افشاء در حقوق قراردادها محدود به فراهم آوردن شرایط صحت و نفوذ عمل حقوقی است. پس نگاه این قواعد معطوف به گذشته و خواهان عدالت تصحیحی است.

در جهت مقابل، قوانین اعمال شده بر اوراق بهادار اوراق بهادار هدفی سه‌گانه را دنبال می کند: اول حمایت از طرف ضعیف‌تر یعنی سرمایه‌گذاران عادی در رویارویی با دارندگان اطلاعات نهانی، دوم استفاده کارآمد از سرمایه جامعه که به صورت اوراق بهادار درآمده و سوم اهداف اجتماعی دیگر مثل حفظ اعتبار و صحت بازار این اوراق.[۳]بنابراین، بر خلاف حقوق قراردادها که ناظر به گذشته است، مقررات اوراق بهادر ناظر به آینده بوده و می خواهد از سوء استفاده اطلاعاتی در آینده جلوگیری کند.[۴]

گستره افشاء نیز در این بخش از حقوق بسیار پهناورتر از حقوق سنتی قرار دادها بوده[۵]و شامل جزئیات کوچک و گوناگونی می‌شود که حتی ممکن است مستقیماً به معامله مربوط نباشد.[۶] به عبارت بهتر به لحاظ نظری، اگرچه اطلاعات نهانی به دلیل لازم دانستن چهار ویژگی اساسی نسبت به اطلاعات مدنظر در حقوق سنتی قراردادها، دارای مفهومی مضیق است، لیکن، به لحاظ عملی، از آنجایی که دارای مصادیق

۱- منظور از قانون بورس همان قانون بازار در اوراق بهادر مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ که بعضاً به قانون بورس نیز شهرت یافته.

۲- باقری، محمود، «اقتصاد مبتنی بر بازار و کاستی‌های حقوق خصوصی»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال هشتم، شماره نوزدهم، ۱۳۸۵، ص ۷۰

۳- کدخدایی، حسین، مبانی مقررات بازار سرمایه، چاپ اول، تهران: بیمه مرکزی ایران، ۱۳۷۸، ص ۷۱

۴- باقری، پیشین، ص ۷۰

۵- همان، ص ۲۳۳

۶- از جمله اطلاعاتی که فقط به صورت غیرمستقیم به معامله اوراق بهادار مربوط است لیکن شرکت ها ملزم به افشاء آنند، اعلام سهام داران عمده می‌باشد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

فراوان بوده و جزئیات گسترده ای درباره شرکت را در برمی‌گیرد، گستره افشاء آن وسیعتر از اطلاعات حقوق سنتی قراردادهاست. پس می‌توان در نظر داشت پژوهش حاضر با طرح این سؤال اساسی به نگارش در آمده است که بین نظام اطلاعات در بورس با حقوق قراردادها چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟

۲- اصول حاکم بر معاملات بورس

ماده ۳ آیین‌نامه‌ها معاملات در شرکت بورس اوراق بهادار تهران مقرر داشته است «. . . کارگزاران پیشنهادهای خرید و فروش خود را با توجه به سفارش‌های خریداران و فروشندگان، تعداد اوراق بهادار و قیمت آنها را در سامانه معاملاتی وارد خواهند نمود» همچنین ماده ۷ دستورالعمل اجرایی نحوه انجام معاملات در بورس اوراق بهادار تهران مصوب ۱۳۸۹/۹/۱۳ اعلام نموده: «معاملات اوراق بهادار از طریق سامانه معاملات و توسط کارگزاران عضو بورس انجام می‌شود» بنابراین اشخاص حقیقی و حقوقی به عنوان اصیل نمی‌توانند در معاملات بورسی بطور مستقیم طرف معامله قرار گیرند بلکه بایستی از طریق انتخاب و تعیین کارگزاران عضو بورس اقدام به خرید و فروش سهام مورد نظر خود نمایند در نتیجه طرفین معامله در معاملات بورسی در واقع کارگزار فروشنده و کارگزار خریدار سهام محسوب می‌شوند واشخاص اصیل جهت انجام معاملات بورسی با محدودیت روبرو خواهند بود. در نمایندگی، اراده نماینده جانشین اراده اصیل می‌شود و حقوق و مسئولیت‌هایی برای وی ایجاد می‌کند؛ بنابراین موضوع نمایندگی باید از اموری باشد که شخص دیگری بتواند به جای اصیل انجام دهد و قانونگذار مباشرت اصیل را در اجرای آن موضوع لازم نداند. به عبارت دیگر، موضوعیت قابلیت نمایندگی داشته باشد. پس آنچه اهمیت دارد بیان اموری است که اجرای نمایندگی و نیابت در آنها امکان دارد. بسیاری از فقیهان بدون ارائه اصل کلی در این باره، موارد متعددی را که نمایندگی درآنها ممکن است و نیز مواردی را که نمایندگی در آنها قابلیت اجرا ندارد، شمارش می‌کنند.[۱] کارگزاران در واقع بعنوان نماینده فروشنده و خریدار در فرآیند معاملات بورسی دخالت نموده و قراردادهای بورسی را تشکیل می‌دهند اعمال حقوقی کارگزاران در فرآیند معاملات بورسی را در حقوق نمایندگی می‌خوانند.[۲]

۲-۱- قصد و رضای طرفین در معاملات بورس اوراق بهادار

برای ایجاد اثر حقوقی مطلوب، دو طرف عقد باید دارای اراده جدی و سالم باشند، مقصود خود را به هم اعلام کنندوانشاء آنان موافق یکدیگر باشدبه گونه‌ای که بتوان گفت درباره موضوع تراضی شده است.

۱- سلطانی، محمد، مرضیه خلیلی، لیلا سهرابی و زینب فلاح تفتی، بایسته‌های حقوق بازار سرمایه، تهران: انتشارات شرکت اطلاع رسانی بورس، ۱۳۹۰، ص ۷۰

۲- شیروی، عبدالحسین، محمدی مرتضی، تشکیل قراردادها از طریق نمایندگی سامانه هوشمند مجله نامه حقوقی، شماره ۷۳، ۱۳۸۸، ص ۲۳

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

بنابراین برای عقد سه مقدمه وجود دارد: وجود اراده، بیان و اعلام اراده وتوافق دو اراده، منظور از قصد، قصد انشاء یا اراده ایجاد عقد است. قصد انشاء عنصر سازنده عقد است که باید در همه قراردادها وجود داشته باشد و حتی بعضی ازحقوقدانان از اینکه قانون مدنی آن راهم ردیف سایرشرایط صحت معاملات آورده است انتقادکرده‌اند، رضا هم اشتیاقی است که طرفین تعهد با توجه به نفع و ضرر شخصی در حال اعتدال پیدا می‌نمایند. فقدان این دوعنصربه ترتیب قرارداد را باطل و غیرنافذ می‌سازد. از طرفی براساس اصل آزادی قراردادهاکه جلوه‌ای ازاصل آزادی اراده است، اصولا اراده طرفین تعیین‌کننده تعهدات قراردادی آنهاست. با این حال اصل آزادی قراردادی محدود به حدودی است که این حدود، قانون، نظم عمومی و اخلاق حسنه هستند. در واقع قدرت سازندگی اراده در همه اعمال حقوقی به یک شکل نیست در برخی از این اعمال قانونگذار بنا بر مصالحی اختیار تعیین تمام شرایط و آثار عقد را به طرفین واگذار نکرده است.[۱]

از آنجا که عقد به همکاری اراده دو طرف محقق می شود. از آنجا که فعالیت اراده در انشای عقد، یک حرکت روانی و درونی است و تحقق آن ذاتا همراه بروز خارجی نیست، لذا در صورتی که فعالیت اراده یکی از دو طرف به وسیله‌ای ابراز نشود، آگاهی بر آن برای طرف دیگر به منظور انجام همکاری و نیز اثبات آن، عادتا ممکن نخواهد بود. از این رو اعلام اراده انشایی و اظهار آن در خارج شرط تاثیر اراده و خلاقیت آن قرارداد شده است به این جهت ماده ۱۹۱ ق. م مقرر می‌دارد: «عقد محقق می‌شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن هر چیزی که دلالت بر قصد کند» . . . با ملاحظه مقررات قانون مدنی به نظر می‌رسد که قانون بکار گرفتن وسیله خاص نظیر لفظ را برای اراده لازم نشمرده بلکه اعلام اراده را با هر وسیله‌ای که بتواند برآن دلالت کند، قابل تحقق دانسته است.[۲]توافق اراده طرفین یکی از شرایط تاثیر اراده درخلق ماهیت اعتباری یا یکی ازشرایط صحت عقد است. منظور از توافق اراده طرفین این است که آنچه طرفین انشای آن را اراده می‌کنند یکی باشد در صورتی که اراده طرفین باهم توافق نداشته باشد، عقد واقع نمی‌شود. لزوم توافق اراده طرفین را به عنوان یکی از شرایط تاثیر قصد، باتحلیل ماهیت عقد و نیز از برخی مقررات مربوط به عقود و تعهدات به طور کلی، ماده ۱۸۳و۱۹۴ ق. م و یا مقررات مذکور در مباحث عقود معین، مثل ماده ۳۳۹ ق. م می‌توان استنباط کرد.[۳]

اصل این است که معامله برای شخصی که آن را انشا می‌کند، منعقد می‌گردد و آثار آن نسبت به خود او جریان پیدا می‌کند، مگر اینکه متعلق به دیگری تشکیل شود (ماده ۱۹۷ ق. م) بنابراین قصد انشای نماینده اصیل، مانند قصد انشای اصیل، می‌تواند بوجود آورنده عقد باشد، نماینده شخصی است که با اذن شخص

۱- امینی، مهدی، قراردادهای آتی درمعاملات بورس کالا، پایان نامه کارشناسی ارشدرشته حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۸، ص ۸۸

۲- شهیدی، مهدی، دوره حقوق مدنی، جلدچهارم، شروط ضمن عقد، تهران: نشر مجد، ۱۳۹۳، ص ۱۴۴

۳- همان، ص ۱۵۶

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

دیگر یا به حکم قانون می‌تواند، به نام این شخص و به حساب او عمل کند. بنابراین دو نوع نمایندگی قابل تصور است.

الف) نمایندگی به اذن اصیل که ممکن است مستقلا یا ضمن قراردادی مانند وکالت داده شود؛ (ماده ۶۵۶ و مواد بعدی ق. م)؛ ماده ۶۵۶ ق. م؛ مقرر می‌دارد: «وکالت عقدی است که به موجب آن یکی ازطرفین طرف دیگری را برای انجام امری نایب خود می‌نماید.»

ب) نمایندگی قانونی که به حکم قانون و بدون اذن یا انعقاد قراردادی بین شخصی به عنوان نماینده و شخص دیگری که نماینده می‌تواند به نیابت از او عمل کند برقرار می‌گردد.[1]نیروی سازندگی اراده، از طبیعت انسان مایه نمی‌گیرد، اصلی است که ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی آن را ایجاب می‌کند و قانونگذار مبنای نظم قراردادی را بر آن نهاده است. پس، حدود حاکمیت اراده را بایستی در اصول مورد احترام قانونگذار جستجو کرد. این اصل در حقوق کنونی مقید به مبنی بودن اثر اراده است: بدین معنی که اراده هر شخص این توان را دارد که برای او ایجاد التزام کند ولی درباره دیگران از این قدرت بی‌بهره است. به بیان دیگر در اراده «مقتضی» ایجاد التزام برای دیگران وجود ندارد، نه اینکه این متقضی با «مانع» استقلال اشخاص روبرو شود. برای اینکه «اراده» بتواند چنین نیروی اضافی را کسب کند، نیاز به عاملی دارد که صلاحیت سازندگی را به آن ببخشد. پس، جوهر نمایندگی را بایستی در عاملی جستجو کرد که سلطه تصرف در دارایی دیگران را به نماینده می‌بخشد. این عامل، در نمایندگی قراردادی، اراده اصیل است که، چون درباره خود تصمیم می‌گیرد، توان اعطای چنین سلطه‌ای را دارد، نیابت نتیجه و اثر این سلطه است. ولی در نمایندگی قانونی، ریشه اقتدار، اراده نماینده حکم قانونگذار است که برای رعایت مصالحی، از جمله حمایت از مهجور و غائب و چنین، آن را مقرر می‌دارد. این مبالغه و اشتباه است که حاکمیت اراده نماینده به تنهایی مبنای ایجاد و التزام برای اصیل تلقی شود. زیرا، در نمایندگی قراردادی، مجموع اراده اصیل(به عنوان اعطاءکننده اختیار) و نماینده (به عنوان کارگزار و علت مستقیم) چنین نتیجه‌ای را به بار می‌آورد. در نمایندگی قانونی نیز مجموعی از حکم قانون وحکومت اراده نماینده سبب نفوذ تصرف اودر دارایی اصیل می‌گردد.[2]برای اینکه قراردادی به نیابت بسته شود و اصیل به التزامی که نماینده بر عهده گرفته است پای‌بند باشد وجود و جمع این سه شرط ضروری است:

ـ نماینده بایستی عقد را انشاء کند و در این کار قاصد و راضی باشد.

ـ عقد به قصد نیابت از طرف دیگری واقع شود.

ـ نماینده اختیار انجام عمل حقوقی را داشته باشد و در حدود آن اختیار بیان اراده کند.

۱- همان، ص ۱۳۶

۲- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلددوم، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱، ص ۶۶

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

آنچه در مورد قصد و رضای طرفین در معاملات بورسی قابل بررسی است عبارتست از اینکه مشتریان بورسی بعنوان اصیل قصد و رضای خود را با تنظیم فرم‌های کاغذی یا الکترونیکی سفارش خرید یا فروش اوراق بهادار نزد کارگزاران بعنوان نماینده بصورت مکتوب و رسمی اعلام می‌نمایند در همین ارتباط مواد ۲۲ آیین‌نامه معاملات و ۹۴ دستورالعمل اجرای نحوه انجام معاملات در بورس اوراق بهادار مقررداشته: «کارگزار موظف است برای دریافت درخواست مشتریان از فرم‌های کاغذی یا الکترونیک طبق فرمت بورس استفاده کند.»

در نتیجه هرگونه اشتباه در قصد و عیب در رضای اصیل نسبت به انجام معاملات بورسی به حداقل ممکن کاهش پیدا خواهد نمود و با توجه به اینکه بعد از ورود درخواست‌های خرید یا فروش مشتریان در سامانه معاملات بورسی، معاملات بورسی بصورت اتوماتیک توسط سامانه الکترونیکی معاملات انجام می‌پذیرد بعد از ثبت درخواست مشتری در سامانه اشتباه در قصد نماینده و رضای او نیز منتفی گردیده و به موجب ماده ۲۱ آیین‌نامه معاملات بورسی اشتباهات سهوی کارگزاران در مورد معاملات تا حد مجازی که در دستورالعمل توقف معاملات تعیین شده قابل پذیرش اعلام شده که در نتیجه اشتباهات عمدی کارگزاران موجب مسئولیت حقوقی و جزایی خواهد بود و بندهای ۱ و۲ ماده ۳۰دستورالعمل اجرایی اشتباهات کارگزار براساس تقاضای خودش و خطای معاملاتی متاثر از اشکال سامانه معاملات راحداکثرتاپایان روز برگزاری جلسه معاملاتی از ناحیه مدیر عامل بورس قابل تایید نداسته است که به نظر بایستی تا پایان روز برگزاری جلسه اشتباهات مذکور رفع و به موجب ماده ۲۹ دستورالعمل اجرای معاملات بورسی با تایید بورس قطعیت یابد.

۲-۲- اصل حسن نیت در روابط طرفین بورس اوراق بهادار

اگرچه موضوع حسن نیت به صراحت در قوانین و مقررات حاکم برمعاملات بورسی مطرح نگردیده، اما بادقت درموازین قانون بازار اوراق بهادار وآیین‌نامه‌ها ودستورالعمل‌های مربوطه می‌توان به مفاهیم مترداف با حسن نیت و به هدف قانونگذار وروح قوانین مربوطه راجع به رعایت صداقت و درستی وپرهیزازفریب و تقلب و سوءاستفاده، جلوگیری ازتحصیل منافع نامعقول و نامشروع از دیگری در معاملات بورسی پی برد. ماده۱۲ قانون بازار اوراق بهادار (مصوب آذر۱۳۸۴) در مورد هیات مدیره سازمان بورس اوراق بهادار مقرر می داردکه: «اعضاء هیات مدیره قبل ازشروع بکار در"سازمان" موظفند سوگند یاد کنند که وظایف قانونی خود را به نحواحسن انجام دهند و در انجام وظایف نهایت دقت و بی‌طرفی را به کار برند و کلیه تصمیماتی را که می‌گیرند مقرون به صلاح کشور بوده و رعایت حفظ اسرار"سازمان" و هیات مدیره را بنمایند. . .» مفاد سوگند موصوف حکایت بر لزوم انجام وظایف قانونی به نحو احسن و رعایت نهایت دقت و بی‌طرفی و مصلحت کشور و حفظ اسرار سازمان بورس و هیات مدیره را توسط اعضاء هیات مدیره

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

سازمان بورس گوشزد می‌نماید و اهمیت این معیارها که از مصادیق حسن نیت بوده آنقدر قابل توجه بوده که قانونگذار آن را در اساسنامه سازمان بعنوان سوگند نامه اعضاء هیات مدیره درج نموده است. همچنین در ماده ۱۴ قانون بازار اوراق بهادار ضرورت گزارش فهرست دارایی‌ها اعضاء هیات مدیره و اقارب درجه اول آنها از بدو انتصاب تا خاتمه عضویت در هیات مدیره به شورای عالی بورس و اوراق بهادار قید گردیده که این معیار هم می‌تواند بعنوان یکی از نتایج حسن نیت در مقررات بورسی از تحصیل هرگونه امتیاز و منافع نامعقول اعضاء هیات مدیره سازمان بورس اوراق بهادار جلوگیری نماید. مطابق ماده ۱۶ قانون بازار اوراق بهادار، انجام هر گونه معامله اوراق بهادار ثبت شده یا در شرف ثبت نزد "سازمان" یا هر گونه فعالیت و مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم در انجام معاملات مذکور توسط اعضای شورای عالی بورس، سازمان بورس اوراق بهادار، مدیران و شرکای موسسه حسابرسی سازمان موصوف و نیز اشخاص تحت تکفل آنها ممنوع گردیده است.

در ماده ۱۷ قانون مذکور اعضای شورای عالی بورس و سازمان بورس اوراق بهادار موظف گردیده‌اند فعالیت‌های اقتصادی و مالی خود و هم چنین مشاغل تمام وقت یا پاره وقت خود را که طی دو سال اخیر به آن اشتغال داشته یا دارند، به رئیس شورای عالی بورس گزارش نمایند و همچنین در ماده ۱۸ قانون موصوف اشخاص نامبرده مکلف گردیده اند اطلاعات نهانی(بند ع ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار ۱۳۸۴)[1] را که در اجرای وظایف خود از آنها مطلع می شوند محرمانه تلقی نمود و از افشای مستقیم و غیر مستقیم این گونه اطلاعات، حتی پس از خاتمه اوراق تصدی آنها، ممنوع گردیده است که در نتیجه ضوابط مندرج در مواد ۱۶و۱۷و۱۸ قانون بازار اوراق بهادار همگی درجهت رعایت صداقت و درستی وانصاف و جلوگیری از طرح و برنامه‌ریزی فریب و تقلب و تحصیل امتیاز و منافع نامعقول توسط مسئولین شورای عالی بورس و سازمان بورس و سایر مدیران مربوطه تدوین گردیده که این مفاهیم می‌تواند از معانی سلبی حسن نیت باشد. قانون بازار اوراق بهادار در بیان جرائم و مجازات‌ها اشخاص مشمول مجازات در ماده ۴۶ قانون را بدین شرح تعیین نموده است:

«الف» هر شخص که "اطلاعات نهانی" مربوط به اوراق بهادار موضوع این قانون را که حسب وظیفه در اختیار وی قرار گرفته به نحوی از انحا به ضرر دیگران یا به نفع خود یا به نفع اشخاصی که از طرف آنها به هرعنوان نمایندگی داشته باشند، قبل ازانتشار عمومی، مورداستفاده قرار دهد ویا موجبات افشاء و انتشار آنها در غیر موارد مقرر فراهم نماید.

ب) هر شخصی که با استفاده از "اطلاعات نهانی" به معلامات اوراق بهادار مبادرت نماید.

۱- اطلاعات نهانی: هر گونه اطلاعات افشاء نشده برای عموم که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم به اوراق بهادار، معاملات یا ناشر آن مربوط می‌شود و در صورت انتشار بر قیمت و یا تصمیم سرمایه گذاران برای معامله اوراق بهادار مربوط تاثیر می گذارد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

ج) مرتکبان اقداماتی که نوعا منجر به ایجاد ظاهری گمراه‌کننده از روند معاملات اوراق بهادار یا ایجاد قیمت‌های کاذب آنها و یا اغوای اشخاص به انجام معاملات اوراق بهادار شوند.

د) هر شخص که بدون رعایت مقررات این اقدام به انتشار و عرضه عمومی اوراق بهادار نماید.»

سوءاستفاده از اطلاعات نهانی به ضرر دیگران و به نفع خود و یا اقداماتی که موجب فریب و گمراهی از روند معاملات اوراق بهادار و یا ایجاد قیمت‌های کاذب و اغوای اشخاص به انجام معلامات بورسی نیز همگی از مفاهیم سلبی حسن نیت می‌باشد.

در آیین‌نامه ارائه خدمات مشاوره و سبد گردانی اوراق بهادارمصوب ۱۳۸۳/۸/۴ شورای بورس ماده ۸ آمده است: «"مشاور و سبدگردان" حق بهره‌برداری مستقیم و غیرمستقیم ار دارایی "سرمایه‌گذار" را به نفع خود و دیگری ندارد. . .» همچنین در ماده ۱۵ آن ممنوعیت هر گونه داد و ستد اوراق بهادار بین مشاور و سبدگردان و مدیران و سهامداران بیش از ده درصد بستگان درجه یک آنها با سرمایه‌گذار و عدم تجویز معامله اوراق بهادار متعلق به سرمایه‌گذاران طرف قرارداد مشاوران و سبدگردانان در ماده ۱۶ و ارائه اطلاعات نادرست و گمراه کننده به بورس و سرمایه‌گذار و استفاده از سرمایه سرمایه‌گذاران به نفع خود و دیگران وافشای اطلاعات بعنوان تخلفات مشاور و سبدگردان درماده ۲۱ آیین نامه موصوف قید گردیده است که این موارد نیز در جهت رعایت درستی و خودداری از سوء استفاده از سرمایه دیگران وتحصیل منافع نامعقول و جلوگیری از فریب محسوب بوده که از مصادیق حسن نیت خواهد بود.

ماده ۵ دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان مصوب ۱۳۸۶/۵/۳ هیات مدیره سازمان بورس اوراق بهادار مقرر داشته است: «اطلاعات افشا شده از سوی ناشر باید قابل اتکاء به موقع و دور از جانبداری باشد، اطلاعات دارای تاثیر منفی باید به همان سرعت و دقتی که اطلاعات دارای تاثیر مثبت منتشر می شود، افشا شود. اطلاعات مهم باید صریح، دقیق و تا حد امکان بصورت کمی ارائه شود.» الزامات بیان شده در ماده ۵ دستورالعمل موصوف مبنی بر افشاء اطلاعات از سوی ناشر به صورت قابل اتکاء و به موقع و دور از جانبداری همگی حکایت بر رعایت انصاف و حسن نیت دارد همچنین نحوه انتشار و افشا اطلاعات دارای تاثیر منفی در ارزش سهام از سوی شرکت ناشر به شیوه انتشار اطلاعات دارای تاثیر مثبت نیز بر رعایت حسن نیت شرکت ناشر ثبت شده نزد سازمان بورس تاکید دارد همچنین ماده ۱۴ دستورالعمل مذکور در خصوص انتشار شایعه یا گزارشی که حاوی اطلاعات خلاف واقع و یا گمراه‌کننده و یا مستندات جعلی باشد، ناشر مکلف گردیده است، بلافاصله اطلاعات و توضیحات کافی در خصوص شایعه یا گزارش مزبور را به سازمان ارسال و برای عموم افشا نماید و ماده ۱۶ آیین نامه معاملات در شرکت بورس اوراق بهادار تهران مصوب ۸۵/۱۱/۲ مصوب کمیسیون فرعی شورای بورس درمورد ضرورت اجتناب کارگزاران از انجام معاملات چرخشی و مواد ۲۱ الی ۲۶ آیین‌نامه معاملات در بورس اوراق بهادار تهران مصوب ۱۳۵۵/۱۲/۳ و ماده۴ آیین‌نامه معاملات در شرکت بورس اوراق بهادار، تهران مبنی بر رعایت

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

اولویت قیمت و زمان ورود سفارش معاملات بورسی به سامانه معاملاتی، نیز بر رعایت درستی در انجام معاملات بورسی و حسن نیت تاکید دارد. بند ۵ ماده ۶ دستورالعمل انضباطی کارگزاران مصوب ۱۳۸۹/۹/۱۳ هیات مدیره سازمان بورس اوراق بهادار، در بیان تخلفاتی که موجب اخطار کتبی به کارگزاران بورسی با درج پرونده می‌شود، مقرر داشته: «عدم رعایت اولویت یا انصاف در اجرای سفارش خرید و فروش مشتریان یا تخصیص اوراق بهادار در عرضه‌های اولیه:» که عدم رعایت اولویت یا انصاف در اجرای سفارش‌های مشتریان نیز از مفاهیم سلبی حسن نیت بوده و در واقع رعایت اولویت یا انصاف اجرای سفارش مشتریان بورسی توسط کارگزاران تکلیف گردیده است، که در نتیجه آن می‌توان رعایت حسن نیت را توسط کارگزاران بورسی در اجرای سفارش های مشتریان استنباط نمود.

۳- تفاوت اساسی نظام اطلاعات در بورس با حقوق قرار دادها

نظام اطلاعات در بازار اوراق بهادار از جهات گوناگون با نظام اطلاعاتی که در حقوق قراردادها به شکل سنتی آن مدنظر می باشد متفاوت است.

۳-۱- ماهیت اطلاعات

اطلاعاتی که بورس اوراق بهادار بر افشاء آن نظارت می‌کند دارای مفهومی مضیق‌تر نسبت به اطلاعات مورد نیاز برای انعقاد یک عمل حقوقی از نظر قراردادهاست. در این اطلاعات که از آن به عنوان «اطلاعات نهانی» تعبیر می‌شود وجود چهار ویژگی شرط است: عدم افشاء برای عموم (نهانی بودن)، دقیق و شامل جزئیات بودن، قابلیت تأثیر قابل توجه در قیمت و مربوط بودن به ناشر اوراق بهادار (بند ۳۲ ماده ۱ قانون بورس[۱]). در حالی که در اطلاعات به مفهوم سنتی حقوق قراردادها وجود چنین قیودی الزاما شرط نیست.

۳-۲- هدف و شیوه افشاء

مقررات حقوقی قراردادها بر این فرض بنا شده‌اند که در یک بازار آزاد خود طرفین معامله قادرند که مصلحت خویش را برآورده سازند. به همین دلیل تمرکز خود را در مبحث ارائه اطلاعات به مرحله بعد از انعقاد قرارداد و هنگامی که ذینفع آسیب دیده تقاضای کمک نماید معطوف می‌کنند[۲] همچنین گستره افشاء در حقوق قراردادها محدود به فراهم آوردن شرایط صحت و نفوذ عمل حقوقی است. پس نگاه این قواعد معطوف به گذشته و خواهان عدالت تصحیحی است.

۱- منظور از قانون بورس همان قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ است که بعضاً به قانون بورس نیز شهرت یافته است.

۲- باقری، محمود، «نسبت عدالت توزیعی و تصحیحی در توزیع خطر میان دو طرف قرارداد غیرقانونی»، مجله حقوق تطبیقی، دوره جدید، شماره ۲، ۱۳۸۵، ص ۷۰

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

در جهت مقابل، حقوق اوراق بهادار هدفی سه گانه را دنبال می‌کند: اول حمایت از طرف ضعیف‌تر یعنی سرمایه‌گذاران عادی در رویارویی با دارندگان اطلاعات نهانی، دوم استفاده کارآمد از سرمایه جامعه که به صورت اوراق بهادار در آمده و سوم اهداف اجتماعی دیگر مثل حفظ اعتبار و صحت بازار این اوراق[۱] بنابراین، بر خلاف حقوق قراردادها که ناظر به گذشته است، مقررات اوراق بهادار ناظر به آینده بوده و می‌خواهد از سوء استفاده اطلاعاتی در آینده جلوگیری کند. گستره افشاء نیز در این بخش از حقوق بسیار پهناورتر از حقوق سنتی قرار دادها بوده[۲] و شامل جزئیات کوچک و گوناگونی می‌شود که حتی ممکن است مستقیماً به معامله مربوط نباشد.[۳] به عبارت بهتر، به لحاظ نظری، اگر چه اطلاعات نهانی به دلیل لازم دانستن چهار ویژگی اساسی نسبت به اطلاعات مدنظر در حقوقی سنتی قراردادها، دارای مفهومی مضیق است، لیکن، به لحاظ عملی، از آنجایی که دارای مصادیق فراوان بوده و جزئیات گسترده‌ای درباره شرکت را در برمی‌گیرد، گستره افشاء آن وسیع‌تر از اطلاعات حقوق سنتی قراردادهاست.

٤- تعهد همکاری به ارائه اطلاعات در اجرای قرارداد

یکی از مباحث مهم در زمینه قراردادها تعهد متعهدله در زمینه همکاری با متعهد در اجرای قرارداد می‌باشد. مبحثی که در قوانین داخلی کشور ما گویی به ورطه فراموشی سپرده شده است اما عدم سخن در قوانین در رابطه با وظایف متعهدله به معنای عدم اجرای این رویه در قراردادها نیست چراکه درکشورما اصل آزادی قراردادها و سایراصول مرتبط با تعهد همکاری متعهدله دراجرای قرارداد، همچون اصل حسن نیت، عرف و عادت، اصل لزوم اجرای قرارداد و سایر موارد و اصولی که تمامی آنها در قوانین داخلی شناخته شده‌اند و موردحمایت قانونگذار هستند، بصورت ضمنی تعهدات همکاری متعهدله دراجرای قرارداد را پذیرفته‌اند. در واقع می‌توان گفت که در قوانین داخلی ایران عدم اشاره مستقیم به «تعهد همکاری متعهدله دبا متعهد در اجرای قرارداد» به معنای عدم اجرای آن در قرار داد نیست چرا که با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت که قوانین موجود به صورت ضمنی تعهدات همکاری متعهدله در اجرای قرار داد را پذیرفته‌اند.

٤-١- اصطلاح همکاری

همکاری تکلیفی است که طرفین در راستای اجرای قرارداد تا حدی که متعارف و معقول است دارند و چنین تعهدی می تواند به نحو صریح یا ضمنی در نظر گرفته شود.

۱- کدخدایی، پیشین، ص ۷۱

۲- باقری، پیشین، ص ۲۳۳

۳- از جمله اطلاعاتی که فقط به صورت غیرمستقیم به معاملات اوراق بهادار مرتبط است لیکن شرکتها ملزم به افشاء آنند، اعلام سهامداران عمده می‌باشد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی،[1] ماده ۳-۱-۵ این تکلیف با عنوان همکاری میان طرفین، مبنی براینکه هر طرف عقد، بایستی برای اجرای تعهدات طرف دیگر، تا حدی که چنین وظیفه همکاری به نحو متعارف و معقول مورد انتظار است، همکاری بنماید. و در ماده ۲۰۲-۱ اصول حقوقی قراردادهای اروپا تحت عنوان وظیفه همکاری، (هرطرف قرارداد، به منظور اجرای کامل عقد، مکلف به همکاری با طرف دیگر است) آمده است.

در فرانسه برای اولین بار دموگ[2] موضوع همکاری طرفین در اجرای قرارداد را مطرح نمود و بیان داشت که هر طرف عقد به همان اندازه که اهداف شخصی خود را در قرارداد دنبال می‌کند، باید برای نیل به هدف مشترک نیز کوشش کند. درست همانگونه که اشخاص در جامعه مدنی یا تجاری عمل می‌کنند.[3]

به نظر برخی از حقوق دانان فرانسه، اگرچه طرفین هنگام انعقاد قرارداد، منافع و اهداف شخصی خود را تعقیب می‌کنند، چنین امری الزاماً به معنای تعارض و برخورد منافع آنان نیست و بین منافع خصوصی طرفین و همکاری متقابل آنان، تعارضی وجود ندارد. باید پذیرفت که امروزه موضوع تعارض منافع پایان یافته و همکاری طرفین که سبب استقرار و ثبات قرارداد به عنوان یک اصل کلی است، آغاز شده است. برخی نیز قرارداد را به عنوان یک سند حقوقی همکاری میان طرفین در نظر گرفته‌اند.

در حقوق فرانسه، تکلیف همکاری در برخی از آثار حقوقی ذیل عنوان «تعهد به درستکاری و صداقت» مطرح شده است. در این کشور تکلیف همکاری به خصوص در قراردادهای خدمات تکنولوژی ارتباطات مورد توجه قرار گرفته و از مدت‌ها پیش، وظیفه اطلاع رسانی متعهدله در طول اجرای عقد به عنوان یکی از مصادیق تکلیف همکاری در نظر گرفته شده است.

شعبه تأمین اجتماعی دیوان عالی فرانسه، همکاری کارفرما در قراردادهای کار را تأیید و مقرر نموده کارفرما مکلف است در راستای اعمال حسن نیت از توانایی‌های جسمانی کارگران، به نحوی که آنها قادر به انجام کار باشند، مراقبت و حمایت نماید.

در حقوق بیشتر کشورهای کامن لا و حقوق نوشته، از چنین تکلیفی اغلب با عنوان "تکلیف به همکاری و تعاون" ذکرشده است. در بسیاری از آرای محاکم انگلیس، آمریکا و استرالیا، وظیفه همکاری متعهدله مورد تأیید قرارگرفته و در حقوق آلمان، هلند، ایتالیا نیز این وظیفه برای متعهدله شناسایی شده است.

ویژگی‌های تعهدات به تسلیم و اجرا و تخصصی و پیچیده بودن آنها موجب گردیده تا رویه قضایی تعهد به همکاری و مشارکت بین طرفین قرارداد را تأیید نماید.

بر اساس نظر برخی مؤلفین فرانسوی «نظریه همکاری و مشارکت در آغاز توسط رویه قضایی در زمینه تشکیل قرارداد مورد توجه قرار گرفته است».

1- Unidroit Principle of International Commercial Contracts (UPICC) 2010.

2- Demogue

۳- مولایی، یوسف، نفوذ قراردادها درپرتو رویه قضایی اروپایی، مجله پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۵، شماره ۴۲، ۱۳۹۳، ص ۱۸۶

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

به نظر برخی دیگر، تعهد به همکاری و مشارکت همان‌گونه که در زمان تشکیل قرارداد وجود دارد در زمان اجـرای آن نیز وجود خواهد داشت.

با وجود اینکه تعهد به همکاری و مشارکت در زمان انعقاد قرارداد لازم است، التزام به همکاری که می‌تواند در طبیعت قـرارداد محسوس و آشکار باشد در قراردادهای با اجرای پیاپی خصوصاً در حـقوق تجارت بین‌الملل نقش مهمی را ایفا می‌نماید. در زمـینه قراردادهای طولانی مدت‌تغییرات قیمت و شرایط، طرفین را ملزم به همکاری در مرحله اجرای قرارداد می‌نماید.

به نظر دموگ یـکی از نتایج کمک و همکاری بین طرفین قـرارداد، تعهد هریک از طرفین به مطلع نمودن طرف مقابل در مورد وقایعی اسـت که آگاهی از آنها برای اجرای قرارداد مفید خواهد بود. در این صورت، تعهد به دادن اطلاعات در قـرارداد شکل می‌گیرد. براساس این تعهد، منافع طرفین قرارداد ایجاب می‌نماید که با یکدیگر همکاری نمایند و تعهدی متقابل به همکاری، همیاری و اطلاع‌رسانی به طرف مقابل خود را پایه‌ریزی نموده و ایفا نمایند. این تعهد، یکی از نمونه‌های التزام به همکاری بین طرفین در اجرای قـرارداد می‌باشد. به همین نحو پیش‌بینی حوادثی که سلامت و امنیت طرف قرارداد را تهدید می‌کنند و نیز اتخاذ تدابیر لازم برای دفع این خطرات، نیر از تکالیفی است که اقتضاء می‌نماید متعهدله همه کوشش خویش را برای شناسایی خطرات به کار برد. احتیاط در عمل و تمهید طرق مؤثر در رفع خطر، نیازی به تصریح در عقد ندارد. تعهد به همکاری چونان عنصر اساسی قراردادها ایجاب می‌کند که متعهد، به قدر متعارف، از خطرات ممکن الحدوث در حین اجرای عقد آگاه باشد و بر دفع آن کوشا. با اعمال این اصل می‌توان در قراردادهای متعددی متعهدله را مأخوذ به رعایت و اعمال موزای معقول رافع خطرات و مسئول حوادث ناشی از اهمال در این مهم دانست. این احتیاط در همه قراردادها به یک شکل نمایان نمی‌شود. امروزه در رویه قضائی فرانسه وجود تعهد ضمنی ایمین در عقد بیع نیز مفروغ عنه است. فروشنده، و نیز تولیدکننده، باید علاوه بر ارائه اطلاعات لازم برای استفاده بهینه از کالا، همه احتیاطات لازم برای اجتناب از خطر را نیز گوشزد نمایند.[1]

۲-٤- نوع تعهد همکاری

موضوع تعهد، یعنی امری که مدیون در برابر دیگری بـه عهده می‌گیرد، ممکن است ناظر به تملیک مال، انجام یا خودداری از انجام کار معین باشد. بـه تعبیری، موضوع تعهد همیشه انجام دادن کار است، زیرا تملیک مال از نظر تحلیلی کاری اسـت کـه مدیون به عهده می‌گیرد با این تفاوت که تعهد به محض ایجاد اجرا هم می‌شود[2]در این قسمت اقسام موضوع تعهد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- صالحی راد، محمد، تحلیل اصل حسن نیت در اجرای قراردادها وآثار آن، مجله حقوقی دادگستری، شماره۲۶، ۱۳۷۸، ص ۸۹

۲- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلددوم، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱، ص ۴۷

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

۱-۲-٤- فعل مثبت

تعهد به تملیک یا انـتقال مال

در حقوق ما این نوع تعهد در دو فرض مطرح است:

الف: درمورد عقود تملیکی که در آنها تملیک مال با تراضی صورت می‌گیرد و دیگر نیاز به تشریفات ندارد. مثل بیع، اجاره، صلح. به عنوان مثال، هر گاه متعهدی کالای مورد سفارش را تهیه و تسلیم متعهدله نماید، قبض آن از سوی متعهدله، وظیفه همکاری او در اجرای تعهد طرف مقابل محسوب می‌شود.

ب: در مورد عقودی کـه بر اساس آنها شخص ملتزم می‌شود بـا فراهم آوردن اسبابی خاص مالی را به دیگری تملیک کند. مانند ایـنکه شخص ضمن قولنامه‌ای تعهد کند که خانه خود را به دیگری بفروشد.

۲- تعهد به انجام کار

کاری که مدیون به عهده می‌گیرد مـمکن است عمل مادی باشد مثل تعهد مقاطعه‌کار برای ساختن ساختمان در مـدت مـعین و یا وظیفه همکاری متعهدله برای اخذ مجوز از مراجع دولتی و نهادهای مربوطه و یا ممکن است انعقاد عمل حقوقی باشد مثل، تعهد فرد برای فروش خانه خود در برابر مبلغ معین. در عقود تملیکی مانند بیع، تعهد بـه تـسلیم مبیع از اقسام تعهد به انجام دادن کار است که در ماده ۳۶۲ ق. م. به عنوان یکی از آثار بیع صحیح پذیرفته شده است.[۱]

ارائه اطلاعات به متعهد برای قادر ساختن وی به اجرای مفاد عقد را می‌توان از مصادیق اقدام فعل مثبت همکاری متعهدله تلقی نمود. به‌عنوان‌مثال ارائه اطلاعات از سوی بیمار به پزشک، و یا همکاری مستأجر و مطلع ساختن به‌موقع موجر از ایرادات مورد اجاره به منظور پیشگیری از بروز خسارت از مصادیق فعل مثبت بوده و نقض این وظایف در حقوق بسیاری از کشورها مخالف اصل حسن نیت است.

۲-۲-٤- ترک فعل

گاهی فرد براساس قرارداد متعهد مـی‌شود که از انجام عمل معینی خودداری نماید، مانند ایـنکه مـستأجر در اثرعقد اجاره متعهد می‌شود که عین مستأجره را به غیر واگذار ننماید.[۲]برخلاف فعل مثبت، گاهی تکلیف همکاری متعهدله به صورت ترک فعل و اجتناب از ارتکاب به عمل خاصی است تا امکان عمل به تعهد از سوی متعهد فراهم باشد. بدین‌صورت که متعهدله نباید به عمل ثانویه‌ای دست بزند که امکان انجام تعهد را از متعهد سلب کند. به عنوان مثال متعهد له پس از عقد قرارداد کالا با متعهد با خرید و جمع‌آوری کل کالا از بازار امکان عمل به تعهد را از متعهد سلب نماید.

۱- موسوی بجنوردی، سید محمد، لزوم انجام تعهد، مجله پژوهش نامه متین، شماره ۹، ۱۳۷۹، ص ۴۴

۲- همان، ص ۴۸

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

۳-٤- زمان و مکان تعهد همکاری متعهدله

۱-۳-٤- زمان تعهد همکاری متعهدله

هرگاه زمان اجرای تعهد همکاری از پیش تعیین شده باشد متعهدله باید در آن زمان به عهد خود وفا کند و هرگاه زمان وفای به عهد، مشخص نیست ولی بر مبنای توافق دو طرف اختیار تعیین موعد با متعهد باشد متعهدله باید تعهد خود را در زمان تعیین متعهد، ایفاء کند. و اگر زمان تعیین نشده باشد، همکاری متعهدله فقط در زمان متعارف به عنوان تکلیف او در نظر گرفته می‌شود. به عنوان مثال، طراح مد لباس متعهد می‌شود قرارداد را براساس دستورالعمل خریدار اجرا نماید، اما تماس‌های نیمه شب وی جهت کسب نظر سفارش‌دهنده، بی‌پاسخ می‌ماند. چنین اقدامی ازسوی متعهدله، نقض وظیفه تعهدهمکاری محسوب نمی‌شود. زیرا درخواست همکاری در زمان معقولی صورت نگرفته است.

۲-۳-٤- مکان تعهد همکاری متعهدله

هرگاه دو طرف قرارداد مکان وفای به عهد را تعیین کرده باشند متعهدله باید تعهد همکاری خود را همان جا ایفا کند. اگر بین دو طرف توافق مکان تعیین نشده باشد بلکه اختیار آن به متعهد واگذار شده باشد در این صورت متعهدله باید بر طبق توافق، تعهد همکاری دراجرای قرارداد را ایفا کند. هرگاه مکان ایفای تعهد به شیوه‌های ذکر شده نباشد تعیین آن بر مبنای عرف خواهد بود. هرگاه عرف و عادتی نباشد متعهدله باید در مکان تشکیل قرارداد تعهدهمکاری خود را ایفا کند. در پاره‌ای از موارد ممکن است مکان ایفای تعهد با هیچ یک از شیوه‌های ذکر شده تعیین نشده باشد و مکان تشکیل قرارداد نیز که برای مثال، دریای آزاد یا داخل هواپیما برای ایفاء مناسب نباشد و از قراین و اوضاع و احوال برآید که مقصود دو طرف ایفاء تعهد در این مکان‌ها نیست متعهدله باید تعهد همکاری خود را در اقامتگاه خود یا محل وقوع مال ایفاء کند.

٤-٤- اهمیت و آثارتعیین زمان و مکان تعهد همکاری

۱- قانون حاکم بر عقد قانونی است که در آن زمان معتبر و لازم الاجرا بوده است.

۲-آثار عقد از زمان تشکیل عقد به وجود می‌آید مگر اینکه این امر به دیگری موکول شده باشد.

۳- فوت یک طرف پس از وقوع عقد جز در عقود جایز اثری ندارد ولی مرگ هر یک از دو طرف پیش از تشکیل عقد مانع آن است.

۴- ایجاب‌کننده اصولاً پیش از تشکیل عقد، حق رجوع دارد و بعد از آن اختیار رجوع و پشیمانی از او سلب می‌شود.

۵- دادگاه صالح برای رسیدگی به اختلافات ناشی ازقرارداد دادگاهی است که عقد درآنجا تشکیل شده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

۶- تعهدات ناشی از عقود تابع محل وقوع عقد است مگر اینکه خارجی باشند.

٤-٥- جایگاه تدلیس در تعهد به همکاری در ارائه اطلاعات

همانطور که بیان گردید قانون مدنی متعاملین را به ارائه اطلاعات در خصوص قرارداد و معاملات ملزم ساخته است. از مفاد ماده ۱۹۰ قانون مدنی و دیگر موادی که که قبلاً بیان گردید می‌تواند استنباط نمود که متعاملین ملزم هستند در ارائه اطلاعات با یکدیگر همکاری نمایند و یا به عبارت دیگر تعهد به همکاری در ارائه اطلاعات داشته باشند. از تعریف ماده ۴۳۸ ق. م به خوبی استنباط می‌شودکه برای تحقق تدلیس، دو رکن لازم است، اول اینکه عملیاتی جهت فریب طرف معامله انجام شود. عملیات ممکن است گفتار باشد یا رفتار و کردار مانند تصریه در فروش حیوان که عبارتست از ندوشیدن حیوان شیرده برای چند روز، تا اینکه درزمان فروش شیردهی آن بیش از واقع نشان داده شود.

دومین رکن درتدلیس این است که عملیات باید موجب فریب شخص گردد، یعنی در طرف قرارداد موثر واقع شود و وی را به انجام معامله ترغیب نماید، به گونه‌ای که اگر چنین عملیاتی نبود، خریداربه انعقاد عقد مبادرت نمی‌ورزید و یا اینکه ثمن کمتری می‌پرداخت.

توجه به مطالب فوق، چنانچه فروشنده اطلاعات ضروری در خصوص مبیع را به طور ناقص و جزئی در اختیار خریدار قرار بدهد و از افشای اطلاعات خودداری نماید به گونه‌ای که باعث ترغیب و فریب خریدار به انعقاد عقد گردد، این امر علاوه بر اینکه نقض مثبت تعهد به دادن اطلاعات می‌باشد، منجر به تدلیس نیز می‌گردد.[1]در نتیجه خریدار حق فسخ معامله به استناد خیار تدلیس را خواهد داشت. همینطور زمانی که فروشنده اطلاعات غلط و نادرستی را به خریدار بدهد و در نتیجه آن موجبات فریب و ترغیب او را به انعقاد قرارداد فراهم آورد، باعث نقض تعهد به دادن اطلاعات شده است و این امر منجر به تدلیس نیز می‌گردد. و لذا خریدار به استناد ماده ۴۳۹ ق. م حق فسخ معامله را خواهد داشت.

در فقه اسلامی هم در برخی موارد عمل مثبت باعث تحقق تدلیس می‌شود؛ مثل «تصریه»، «تدلیس ماشطه» و «غش» و در موارد خاصی هم گفتار دروغ، تدلیس به شمار آمده است مانند گفتار نادرست در بیوع الامانات، بیوع الامانات به این شکل است که در مبحث بیع مرابحه اگر کسی مالی را به دیگری بفروشد و سپس آن را به مبلغ بالاتری بازخرد وقصد او این باشد که این قیمت بازخرید را به خریدار آتی در بیع امانی بگوید تا دروغ نگفته باشد، عمل او تدلیس است. مشتری حق فسخ عقد را پیدا می‌کند اما اگر معامله اول به این قصد نباشد، عمل او تدلیس نیست و مجاز است در فروش مال به خریدار آتی قیمت اخیر را بگوید.

آنچه در رابطه با تدلیس باید گفته شود این است که باید بین عملیات مدلسانه و اعمالی که صرفاً برای ترغیب دیگران به معامله انجام می‌شود، تفاوت قائل شد، به اقتضای اصل لزوم ثبات معاملات در حد

۱- تیموری، مهدی، تعهد به دادن اطلاعات از فروشنده به خریدار در حقوق ایران و تطبیقی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۸

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

متعارف و معمول، گفتار و اعمالی که فقط جنبه ترغیبی دارند از تدلیس حقوقی جدا می‌شوند؛ در غیر این صورت اگر هر تشویقی برای جلب مشتری، تدلیس به شمار آید، نظمی در استقرار معاملات باقی نمی‌ماند.[۱]

از این رو برای تحقق تدلیس باید وضعی موهوم به طور قاطع به کالا نسبت داده شود و خریدار را بفریبد، چندان که در عرف بتوان گفت تقصیری نابخشودنی رخ داده است، ودر هر حال عرف و عادت هر تجارت در ارزیابی اثر دروغ و گزافه نقش موثری دارد.

ذکر این مطلب لازم است که چنانچه، اطلاعات نادرست و غلطی را که فروشنده در اختیار خریدار قرار می‌دهد، در قلمرو قصد مشترک طرفین قرار گرفته و جزئی از معامله محسوب شود هرچند موجب نقض تعهد دادن اطلاعات می‌شود و لیکن موجب تدلیس نبوده بلکه بر حسب مورد موجب تخلف از شرط صفت یا تخلف از شرط وصف می‌گردد و از این جهت برای خریدار خیار تخلف از شرط صفت ایجاد می‌شود (مواد ۲۳۵ و ۴۱۰ ق. م) لذا نقض تعهد به دادن اطلاعات بر حسب مورد ممکن است منجر به تدلیس شود.

نتیجه‌گیری:

آنچه از مجموعه مباحث مطروحه در حقوق قراردادها می‌توان نتیجه گرفت این است که اهمیت داشتن اطلاعات در جهانی که سرعت افزایش و انتقال اطلاعات به شدت در حال افزایش است تبدیل به اساسی‌ترین نیازهای جامعه شده است. به گونه‌ای که هر یک از ما در طول شبانه‌روز بارها و بارها به دانستن آن‌ها نیاز مبرم پیدا می‌نماییم. در بررسی مبنای تعهد به دادن اطلاعات به این نتیجه دست یافتیم که مبنای واحدی را برای انواع مختلف تعهد به دادن اطلاعات نمی‌توان اتخاذ نمود.

معیار تحقق تسلیم توانایی بالقوه مشتری در اعمال انحاء تصرفات و انتفاعات می‌باشد، که تسلیم مادی به تنهایی برای تحقق این مهم کافی نمی‌باشد. بنابراین فروشنده باید اطلاعات ضروری و لازم در خصوص استفاده بهینه از مورد تعهد و چگونگی بهره‌برداری صحیح از کالا را در اختیار خریدار قرار بدهد، تا اینکه تسلیم تحقق یابد. نتیجه اینکه مبنای تعهد به دادن اطلاعات در رابطه با طریقه بهره‌برداری، راه‌اندازی، نصب، نگهداری، مواد تشکیل‌دهنده و استفاده بهینه از کالا در روابط قراردادی تسلیم عرفی است، که امکان بهره‌برداری کامل از مبیع را فراهم می‌آورد.

از جمله مبانی مهم تعهد به دادن اطلاعات، مبانی اخلاقی و ضرورت رعایت حسن نیت و انصاف در قراردادهاست. از آنجا که در حقوق قراردادها طرفین آزادند به انتخاب قرارداد و اصل حاکمیت اراده و

۱- قنواتی، جاور، جلیل، حسین، «مطالعه تطبیقی سوء عرضه قابل تعقیب در حقوق انگلیس، ایران و فقه امامیه»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۳، ۱۳۸۵، ص ۱۷۴

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

اصل آزادی قراردای بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی در روابط آنها اغلب شکل می‌گیرد و پایدار است. در نتیجه با در نظر گرفتن اصل حاکمیت اراده و اصل آزادی قراردادی می‌توان حسن نیت و انصاف در تعهد به ارائه اطلاعات بین متعاملین مشاهده نمود. از آنجا که حقوق قراردادها سابقه تاریخی طولانی‌تری نسبت به بازار بورس اوراق بهادار دارد و در نتیجه تعامل افراد با یکدیگر و معاملات آنها شکل ساده‌تری به خود می‌گیرد. باید در نظر داشت که در هر روزه معاملات بسیاری در حقوق قراردادها صورت گرفته و طرفین بدون ارائه اطلاعات با یکدیگر معامله نموده و اغلب نیز مشکلی بوجود نخواهد آمد. چرا که معاملاتی که به صورت روزمره بین افراد صورت می‌گیرد اغلب معاملاتی ساده و غیرپیچیده می‌باشند. پس در نتیجه ارائه اطلاعات در حقوق قراردادها در بسیاری از مواقع به چشم نخواهد آمد. البته در برخی از قراردادها نیز ارائه اطلاعات از سوی طرفین ضروری به نظر می‌رسد در معاملاتی همچون خرید یک ماشین ارائه اطلاعات در خصوص سلامت فنی و دیگر مشخصه‌های آن از سوی طرف فروشنده ضروری است. در خصوص قراردادهای الحاقی نیز باید در نظر داشت که در این قراردادها بر خلاف قراردادهای آزاد، ارائه اطلاعات معمولاً از طرفی صورت می‌گیرد که دارای بنیه اقتصادی ضعیف‌تر است و مجبور به پذیرفتن شروط عقد می‌باشد؛ در نتیجه به اجبار اطلاعاتی در خصوص عقد مورد نظر باید در اختیار طرف مقابلش قرار دهد چرا که این نوع قراردادها اغلب یک طرفه هستند. حال باید در نظر داشت که نتیجه نهایی که از این پژوهش به دست می‌آید و دغدغه اصلی پژوهش این است که ارائه اطلاعات در حقوق قراردادها دارای اهمیت کمتری نسبت به بازار بورس می‌باشد. دلیل اصلی آن نیز سادگی معاملات در حقوق قراردادها نسبت به معاملات بازار بورس و اینکه قانون مدنی نسبت به تعهد به ارائه اطلاعات مستقیماً ماده یا موادی را به این امر اختصاص نداده اگر چه بتوان در لابه لای مواد قانون مدنی با توجه به مواردی که در فوق بیان گردید تعهد به ارائه اطلاعات را یافت.

میزان نقل و انتقال سهام و اوراق قرضه در بازار بورس اوراق بهادار و امنیت حاکم بر این بازار یکی از شاخصه‌های مهم توسعه یافتگی هر کشور محسوب می‌شود. خرید و فروش سهام و اوراق بهادار، تعهد به ارائه اطلاعات و حفاظت از اطلاعات محرمانه موضوعات حقوقی مهمی هستند که در ارتباط با بورس مطرح می‌شوند. همانطور که در فوق بیان گردید با اینکه قدمت بازار بورس سهام و اوراق بهادار در برخی از کشورها به بیش از دو قرن باز می گردد و به تبع آن تحولات تقنینی زیادی در آن کشورها پدیدار گشته و گنجیه‌ای با ارزش و غنی از رویه قضایی و داوری در مورد بورس قابل دستیابی است اما از زمان تأسیس بورس اوراق بهادار در سال ۱۳۴۵ در ایران و نیز تصویب قانون بازار اوراق بهادار در سال ۱۳۸۴ تاکنون حقوق ناظر بر بازار بورس اوراق بهادار در ایران آنچنان که شایسته است مورد تجزیه‌وتحلیل قرار نگرفته است. البته باید در نظر داشت که تعهد به ارائه اطلاعات چه در حقوق قراردادها و چه در بازار بورس اوراق بهادار امری است که به دست فراموشی سپرده شده و همانطور که اشاره شد در حقوق قراردادها شاید در

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

بسیاری از روابط متعاملین صورت بگیرد، اما هنگامی که نامی از تعهد به ارائه اطلاعات و نظام اطلاعات در حقوق قراردادها به زبان می‌آید. موضوعی ناآشنا چه برای افراد عادی و چه برای قانون‌گذار به نظر برسد. البته در بازار بورس اوراق بهادار این مسئله گستره بیشتری دارد و ارائه اطلاعات و اطلاعات نهایی در قانون بازار بورس اوراق بهادار بیشتر به چشم می‌خورد، چرا که با توجه به پیچیدگی معاملات در بازار بورس اوراق بهادار زمینه برای تقلب در این بازار بیشتر فراهم شده و قانون‌گذار بازار بورس به منظور حمایت از طرف ضعیف‌تر ارائه اطلاعات در بازار بورس اوراق بهادار را امری ضروری به نظر دانسته.

به بیان جمع‌بندی نهایی نیز می‌توان در نظر داشت که نظام بورس با در نظر گرفتن عدالت در قراردادهای بورس و حفظ حقوق طرفین علی‌الخصوص طرف ضعیف‌تر یعنی سرمایه‌گذاران عادی قصد در حفظ تعادل در بازار بورس اوراق بهادار را دارد در صورتی که در حقوق قراردادها در برخی از اوقات شاهد قراردادها الحاقی یک طرفه هستیم که حقوق طرف ضعیف‌تر در نظر گرفته نمی‌شود و این قراردادها در قانون مدنی به رسمیت شناخته شده‌اند. اما در بازار بورس اوراق بهادار جایی ندارند. تفاوت دوم که این است که حقوق قراردادها ناظر به گذشته است، اما بازار بورس ناظر به آینده بوده و می‌خواهد با ارائه اطلاعات از سوء استفاده اطلاعاتی در آینده جلوگیری کند. پیچیدگی روابط در بازر بورس باعث گردیده که ارائه اطلاعات برای اشخاصی که اطلاعاتی در این خصوص ندارند و می‌خواهند پای در عرصه رقابت بورس نهند برای آنها مفید باشد. البته باید در نظر داشت که همیشه ارائه اطلاعات در بازار بورس نمی‌تواند تأثیر مثبت داشته باشد در برخی از اوقات افشاء اطلاعات باعث می‌گردد که شیرازه بازار به هم خورده و زمینه سوء استفاده در آن بوجود آید.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

فهرست منابع و مآخذ

ـ امینی، مهدی، قراردادهای آتی درمعاملات بورس کالا، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.

ـ باقری، محمود، «اقتصاد مبتنی بر بازار و کاستی‌های حقوق خصوصی»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال هشتم، شماره نوزدهم، ۱۳۸۵.

ـ باقری، محمود، «نسبت عدالت توزیعی و تصحیحی در توزیع خطر میان دو طرف قرارداد غیرقانونی»، مجله حقوق تطبیقی، دوره جدید، شماره ۲، ۱۳۸۵.

ـ تیموری، مهدی، تعهد به دادن اطلاعات از فروشنده به خریدار در حقوق ایران و تطبیقی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵.

سلطانی، محمد، مرضیه خلیلی، لیلا سهرابی و زینب فلاح تفتی، بایسته‌های حقوق بازار سرمایه، تهران: انتشارات شرکت اطلاع رسانی بورس، ۱۳۹۰.

ـ شیروی، عبدالحسین، محمدی مرتضی، تشکیل قراردادها از طریق نمایندگی سامانه هوشمند مجله نامه حقوقی، شماره ۷۳، ۱۳۸۸.

ـ شهیدی، مهدی، دوره حقوق مدنی، جلدچهارم، شروط ضمن عقد، تهران: نشر مجد، ۱۳۹۳.

ـ صالحی راد، محمد، تحلیل اصل حسن نیت در اجرای قراردادها وآثار آن، مجله حقوقی دادگستری، شماره۲۶، ۱۳۷۸.

ـ قنواتی، جاور، جلیل، حسین، «مطالعه تطبیقی سوء عرضه قابل تعقیب در حقوق انگلیس، ایران و فقه امامیه»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۳، ۱۳۸۵.

ـ کدخدایی، حسین، مبانی مقررات بازار سرمایه، چاپ اول، تهران: بیمه مرکزی ایران، ۱۳۷۸.

ـ کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلددوم، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱.

ـ کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلددوم، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱.

ـ مولایی، یوسف، نفوذ قراردادها درپرتو رویه قضایی اروپایی، مجله پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۵، شماره ۴۲، ۱۳۹۳.

ـ موسوی بجنوردی، سید محمد، لزوم انجام تعهد، مجله پژوهشنامه متین، شماره ۹، ۱۳۷۹.

__ Unidroit Principle of International Commercial Contracts (UPICC) 2010.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]